

طرح مبارزه با گدایان

عامل ، معلول را انکار میکند !!

آرش کمانگر

رژیم هایی که به دلیل ماهیت ضد مردمی و طبقاتی خویش قادر و مهم تر از آن مایل به درک ریشه های اصلی ناهنجاری های اجتماعی در یک جامعه نظیر فحشا، قاچاق، اعتیاد، سرقت، بزهکاری و تکدی نیستند، یعنی نقش خود و سیستم اقتصادی - اجتماعی موجود را در تولید و بازتولید این ناهنجاری ها و قربانیان آن ها انکار می کنند، معمولاً بعد از مدتی دوندگی و مبارزه با انگیزه ها به جای علت ها به دو شیوه رفتار می نمایند: پاره ای از آن ها ناتوان از پرداختن به ریشه ها، از برخورد با معلول ها نیز خسته می شوند و با ناهنجاری ها سازش می کنند یعنی عملاً آن ها را تحمل کرده و یا از کنارشان می گذرند (بسیاری از کشورهای غربی از این دسته اند)، پاره ای دیگر اما همچنان بر طبل سرکوب می کوبند و به نام «مقدسات» و یا «مبارزه با فساد و مضرات» به آزار و اذیت قربانیان ناهنجاری های اجتماعی مشترک رژیم و اقتصاد سرمایه داری ادامه می دهند. بسیاری از کشورهای جهان سوم و از جمله رژیم اسلامی ایران از این دسته اند. کسی نیست به این حکومت ها بگوید: اگر قرار بود با آزار و حبس و شکنجه و اعدام ریشه پدیده هایی چون تن فروشی، قاچاق و گدایی خشکانده شود لابد باید بعد از این همه سال نتیجه می داد و یا لااقل از ابعاد آن ها کاسته می شد نه این که روز به روز افزایش پیدا کنند! اما کو گوش شنوا!؟

جمهوری اسلامی پس از ۲۲ سال علافی در به اصطلاح مبارزه با ناهنجاری های اجتماعی تصمیم گرفته از ابتدای شهریور ماه طرح گسترده «ساماندهی متکدیان» را عجالاً از تهران شروع کند. واژه ساماندهی ظاهراً معنایی مثبت را با خود یدک می کشد و این توهم را به وجود می آورد که لابد سران رژیم پس از ۲۲ سال سرانجام تصمیم گرفته اند به وضعیت بخشی از محرومان جامعه یعنی گدایان رسیدگی کنند، اما از این خبرها نیست. طرح ساماندهی متکدیان اسم رمز آزار، حبس و تبعید گدایان پایتخت ۱۲ میلیونی و فلاکت زده ایران است. در این رابطه سردار انصاری رییس ناحیه انتظامی تهران طی مصاحبه ای با خبرگزاری ایسنا گفت که این کار از شهریور ماه با همکاری مشترک شهرداری تهران و نیروی انتظامی اجرا خواهد شد. او گفت که متکدیان در صورت مجرم بودن به محاکم قضایی تحویل داده خواهند شد و در صورت تکرار جرم تبعید گشته و جدا از جامعه نگه داری می گردند. انصاری البته در همین مصاحبه اعتراف می کند که طرح جمع آوری گدایان به هیچ وجه تازگی ندارد و قدمت آن به سال ۶۲ برمی گردد، یعنی بعد از هر یورش و اندکی تخفیف، مجدداً شاهد عروج پدیده تکدی بوده ایم. چرا؟ به این دلیل ساده که ریشه های اصلی این فاجعه نظیر فقر و بیکاری نه تنها تخفیف پیدا نکرده اند بلکه روز به روز گسترده تر نیز شده اند. وقتی میلیون ها جوان تازه نفس و فبراق این مملکت و حتی هزاران فارغ التحصیل دانشگاهی آن نمی توانند کاری پیدا کنند و وقتی رژیم اسلامی هیچ سیستمی برای تامین اجتماعی واقعی بیکاران، معلولین، بیماران، بی سرپرستان، مادران تنها و در یک کلام تهی دستان جامعه ندارد و آن ها را به امان طبیعت رها کرده است، چگونه می توان در این جهنم نابرابری گلیم خویش را از آب بیرون کشید؟ کدام انسان شریفی را سراغ دارید که در صورت تامین شغل، مسکن و هزینه متوسط زندگی و ارائه مشاوره حقوقی و آموزشی، زندگی نرمال را رها کند و تن به قاچاق، سرقت، جنایت، فحشا، تکدی و غیره بدهد؟

حضرات یادشان رفته که اکثریت زندانیان عادی کشور را قاچاقچیان و مصرف کنندگان مواد مخدر تشکیل می دهند، اما باز ایران در رتبه نخست کشورهای جهان از لحاظ قاچاق و اعتیاد قرار دارد؟ آقایان یادشان رفته که علی رغم آزار و تعزیر و حبس و سنگسار تن فروشان و از جمله قتل های عنکبوتی ۲۲ گانه باز فحشا در جامعه بیداد می کند؟ نه! اینان یادشان نرفته اما راهی جز سرکوب برای حفظ آبروی نظام پوشالی خود نمی بینند، زیرا ناگزیرند از طریق این تشبثات حقیقت را از مردم پنهان کنند و مانع از پرداختن به ریشه ها شوند. پاسخ مردم آزاده اما دفاع از حق زندگی و رفاه همه محرومان و از جمله گدایان است و مجرم واقعی را خود رژیم و سیستم موجود می دانند.